

شهرداری شهر چمران واقع در شهرستان ماهشهر دیروز هدف حمله مسلحانه دو موتور سوار قرار گرفت. به گزارش فارس به گفته شاهدان عینی، راکبان موتور سیکلت دو نفر بودند که با صورت پوشیده و از سمت بازارچه قدیم شهر و با اسلحه کلاشینکف اقدام به تیراندازی به سوی شهرداری چمران کردند. در این حادثه تیرهای شلیک شده به ساختمان شهرداری اصابت کرد و به هیچ کس آسیبی وارد نشد.

خطرزد

هشدار ساخت و ساز

مجریان کارگاه های ساختمانی موظفند از شخص دارای صلاحیت که پروانه اشتغال یا مهارت فنی یا گواهی ویژه (در حدود صلاحیت مربوط) دارد، در عملیات ساختمانی استفاده کنند.
کارگاه ساختمانی باید به طور کامل و ایمن، محصور و از ورود افراد متفرقه و غیر مسئول به داخل آن جلوگیری شود.
همچنین در اطراف کارگاه ساختمانی نصب تابلوها و علائم هشداردهنده که در شب و روز قابل دیدن باشد، ضروری است.

سازمان نظام مهندسی ساختمان خراسان رضوی

از میان خبرها

خروش رودخانه ۲ خواهر اطعمه خود کرد

توکلی - فرمانده انتظامی شهرستان بردسیر روز گذشته از غرق شدن دو خواهر در رودخانه "شاهزاده عباس" این منطقه خبر داد. به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ "جهانشاهی" با اعلام این خبر گفت: در پی دریافت خبری از مرکز فوریت های پلیسی مبنی بر وقوع یک مورد غرق شدگی، ماموران انتظامی پاسگاه "کوه پنج" بلافاصله به محل حادثه عزیمت کردند.
وی افزود: دو خواهر که با خانواده خود برای گردش کنار رودخانه آمده بودند، غافل از عمق رودخانه به داخل آن رفته و به دلیل ناشناختی با فن شنا غرق شدند. وی گفت: مردم اجساد این دو خواهر را از داخل رودخانه بیرون آوردند. تلاش مردم و اورژانس ۱۱۵ پرای زنده ماندن این دو خواهر بی نتیجه ماند و خواهران ۱۱ و ۲۰ ساله جان باختند.

پلیس کرمان به قدرت نمایی ۳شورور پایان داد

توکلی - باتلاش ماموران انتظامی کرمان سه جوان شورور که در حال قدرت نمایی و برهم زدن نظم عمومی بودند، دستگیر شدند. فرمانده انتظامی شهرستان کرمان در تشریح این خبر گفت: در پی دریافت گزارش های مردمی مبنی بر شرارت، قدرت نمایی، درگیری و مزاحمت های خیابانی سه جوان در شهر کرمان، تیمی از ماموران انتظامی کلانتری ۲۰، دستگیری این افراد را در دستور کار خود قرار دادند. به گزارش خبرنگار ماسرهنگ "روانبخش" افزود: با تحقیقات گسترده ماموران انتظامی مشخص شد سه جوان شورور با اقدامات مجرمانه متعدد باعث اخلال در نظم عمومی و آسایش شهروندان اند. در همین راستا این سه شورور دستگیر و به مقر پلیس منتقل شدند. وی در پایان از تشکیل پرونده برای متهمان و معرفی آن ها به مراجع قضایی خبر داد.

واژگونی مرگبار اتوبوس در ترکیه

بر اثر واژگونی یک دستگاه اتوبوس در ترکیه ۴۵ نفر کشته و مجروح شدند. به گزارش ایسنا، بنابر اعلام رسانه های داخلی ترکیه در این حادثه رانندگی که صبح دیروز (شنبه) اتفاق افتاد یک دستگاه اتوبوس مسافربری واژگون و موجب شد پنج تن جان خود را از دست بدهند و تعداد ۴۰ نفر دیگر مجروح شوند. در پی وقوع این حادثه چندین دستگاه آمبولانس و تعدادی نیروی امدادی در محل حاضر و مجروحان به مراکز درمانی منتقل شدند. به گزارش ایسنا به نقل از خبرگزاری ینی سافاک، جزئیات بیشتری از این حادثه منتشر نشده است.

حمله مسلحانه

به شهرداری ماهشهر



کشف جسد مثله شده یک زن باسری بریده در مشهد

تحقیقات در این باره آغاز شد. به دستور قاضی «کاظم میرزایی» نیروهای انتظامی در چند گروه عملیاتی به جست و جو در منطقه مذکور پرداختند تا این که در فاصله ای دور پیکر مثله شده یک زن را داخل کیسه ای پلاستیکی پیدا کردند. این زن که سر و قسمت های دیگری از بدنش بریده شده بود تی شرت قرمز رنگ و شلوار منزل دارای نقش لوزی با زمینه خاستکتری بر تن داشت و عامل یا عاملان جنایت پیکر او را با طناب بسته بودند. بنابر گزارش

ماجرای ساختگی آدم ربایی پس از جنایت

زنی با سانتافه مشکلی!

سید خلیل سجاد پور - آدم ربایان مرا با ر سال یک پیامک تهدید کردند که اگر جان خودت و «حاجی» (د) را دوست داری باید ۳۰۰ سکه طلا به این آدرس بیاوری! وقتی سر قرار در چهارراه مدرس رسیدم زنی با سانتافه مشکمی منتظر بود! من ۱۰۰ سکه طلا را که تهیه کرده بودم به آن زن دادم ولی آن ها ده را آزاد نکردند... این ها بخشی از اظهارات مرد ۴۲ ساله ای بود که به عنوان مباشر «د» که از تاریخ هفتم مرداد در مشهد مفقود شده بود- فعالیت می کرد. این مرد در حالی که پیامک رسانی از تلفن «د» به اعضای خانواده او نشان می داد، افزود: آن زن سانتافه سوار احتمالا با «د» ارتباط داشت چرا که همه مشخصات او را می دانست و در پیامک مذکور هم فید کرده بودند که «د» دست ماست! با این اظهارات که از سوی معتمدترین دوست و مباشر «د» عنوان می شد، اعضای خانواده دچار نگرانی شدیدی شدند و بلافاصله نیروهای انتظامی بینالود را در جریان ماجرای گروگانگیری گذاشتند. دقایقی طول نکشید که «ب» (مباشر) مورد ظن پلیس قرار گرفت و دستور بازداشت وی از سوی مقام قضایی صادر شد. از سوی دیگر روز نهم مرداد، بخشی از جسد مردی که کنار برکای در بیابان های اطراف دوراهی باغچه - مشهد دفن شده بود، نمایان شد و بدین ترتیب قاضی ویژه قتل عمد مشهد و کارآگاهان اداره جنایی عازم محل مذکور شدند. بررسی های مقدماتی عوامل بررسی صحنه جرم نشان می داد که جسد مربوط به مردی حدود ۶۰ ساله است و تنها لباس زیر به تن دارد. در حالی که هیچ گونه آثاری از ضرب و جرح روی بدن وی مشهود نبود. به همین دلیل این احتمال قوت گرفت که عامل یا عاملان

مرد ۴۲ ساله ای که در بینالود بازداشت شده بود با درخواست مقام قضایی به پلیس آگاهی خراسان رضوی منتقل شد و مور دپویشی های تخصصی قرار گرفت. «ب» (مباشر مقتول) در مراحل اولیه تحقیقات بازهم نزد کارآگاهان با تجربه آگاهی به داستان سربای های خود درباره گروگانگیری ادامه داد و پای زن سانتافه سوار را به میان کشید.

از سوی دیگر و با صدور دستوراتی از سوی قاضی میرزایی کارآگاهان به تحقیق از طلافروشی پرداختند که «ب» مدعی بود سکه های طلا را از آن جا خریداری کرده است اما این طلافروشی که با هویشاری خود همه راه های داستان سربای «ب» ابسته بود به سوالات کارآگاهان این گونه پاسخ

داد که وقتی آن مرد ۱۰۰ سکه بهار آزادی تقاضا کرد به او مشکوک شدم او مدعی بود سکه های طلا را برای پرداخت مهریه می خواهد امانی خواست آن ها را پرس کنم!

وقتی بازگشت عنوان کرد که آن مرد در پارکینگ چهارراه مدرس سوار خودرو شد و به مکان نامعلومی رفت. گزارش خراسان حاکی است: تحقیقات کارآگاهان در ابعاد دیگر و ادعاهای متهم در پرونده نیز به جایی رسید که دیگر «ب» نمی توانست به داستان ساختگی خود در باره آدم ربایی و گروگانگیری ادامه بدهد! وقتی کارآگاهان در حضور مقام قضایی اسنادومدارک مستندآوری میزد گذاشتند ناگهان

مرد ۴۲ ساله با چشمانی اشکبار گفت: اشتباه کردم! او به من خدمت کرد ولی من قدر او را ندانستم و سپس ادامه داد: این اواخر دچار مشکلات مالی شدیدی شده بودم و از سوی دیگر هم با حاجی (مقتول) بر سر یک زمین اختلاف داشتم با این وجود او همه اموالش را در اختیار من گذاشته بود و حتی رمز کارت های عابر بانکش را حفظ بودم. من به عنوان مباشر در کارهای ساخت و ساز به او کمک می کردم ولی این او آخر پولی به من نمی داد! اگر چو پولایش

حوادث

در امتداد تاریکی

بالا تر از عشق مجنون!

آن قدر عاشق و دلخبا تهمیدگر بودیم که احساس می کردم اگر روزی «فلورا» را ببینم قلمم از حرکت بازی ایستد. قصه های لیلی و مجنون و شیرین و فرهاد را در برابر عشق خودم هیچ می پنداشتم و آن ها را داستان های ساخته ذهن نویسندگان و شاعران می دانستم. من آن قدر شیفته «فلورا» شده بودم که در هیچ دیوان شعر و کتاب ادبی شبیه آن وجود نداشت ولی این عشق دیوانه وار مدت زیادی طول نکشید و من عاشق دختر دیگری شدم تا این که...

مرد جوانی که به اتهام برقراری روابط نامشروع و ایراد ضرب و جرح دستگیر شده بود در حالی که می گفت روزگاری چنان عاشق «فلورا» بودم که به هر سومی نگرستم جمال او جلوه گر بود، به کارشناس اجتماعی کلانتری پنجتم مشهد گفت: روزی که برای اولین بار او را کارگاه خیاطی دیدم، نمی دانستم نتیجه آن نگاه اول چه خواهد بود، حالم چون خفاشی بود که نگهان نور درخشانی بر چشمانش تابیده باشد، معلوم است که چه حالی دارد. گویی همه زیبایی های عالم در چشمان او جمع شده بود. آن روزها من ۲۰ سال بیشتر نداشتم و برای پیدا کردن کار از شهرستان به مشهد مهاجرت کرده بودم تا این که به پیشنهاد یکی از دوستانم منزلی را در حاشیه شهر اجاره کردم و در کارگاه خیاطی مشغول کار شدم. «فلورا» هم با نظر صاحب کارگاه قرار شد به طور موقت در کارگاه خیاطی کار کند. هنگام کار دمام چشمانم به سوی فلورا برمی گشت و به هر بهانه ای سعی می کردم به او نزدیک تر شوم تا این که ارتباط پنهانی من و او بهایی رسید که تصمیم به ازدواج گرفتم اما و ۶ سال از من بزرگ تر بود و خانواده هایمان مخالف از دواج ما بودند. مخالفت آن ها در شرایطی بود که من حتی برای لحظه ای نمی توانستم به دور از فلورا زندگی کنم. برای به دست آوردن او از انجام هیچ کاری ابایی نداشتم. در نهایت تصمیم گرفتم از خانه فرار و به طور پنهانی زندگی کنم، به یکدیگر قول دادم هیچ وقت به هم خیانت نکنیم و تا آخر عمر باهم بمانیم. غافل از این که عشق های خیابانی زودگذر است و...

آن شب به منزل یکی از دوستانم در اطراف مشهد، قسیم و با قرائت صیغه محرمیت، زندگی پنهانی خود را آغاز کردم. با این همه، طولی نکشید که خانواده فلورا، محل زندگی ما را پیدا کردند و پس از کتک کاری من، او را نیز با خود بردند و در خانه زندانی کردند ولی بعد از مدت کوتاهی «فلورا» موضوع بارداری اش را مادرش در میان گذاشت و خانواده اش ناچار شدند با دواج ما موافقت کنند این گونه بود که پایه خانه بخت گذاشتیم اما زندگی ما به سختی می گذشت چرا که من بیکار بودم و نمی توانستم مخارج زندگی را تامین کنم، از سوی دیگر هم «حمیده» به دنیا آمده بود و هزینه های ماهر روز بیشتر می شده به همین خاطر فلورا امدام را سرزرش می کرد و من هم کنکش می زدم. دیگر از آن همه عشق و محبت خبری نبود تا این که به پیشنهاد یکی از دوستانم به کار نقاشی ساختمان مشغول شدم اما بازار کار کساد بود و من روزهای زیادی را بیکار می ماندم. در این روزها فلورا با کارهای خیاطی مخارج زندگی را تامین می کرد، من هم به دلیل رفاقت با دوستان ناچار بابتاعتا شده بودم. دیگران همه علاقه به نفرت تبدیل شده بود و آن که همسر، فرزندم را با باردار بود مشاجره ها و کتک کاری های ماضدت گرفت. فلورا مرا نزد خانواده اش تحقیر می کرد و با حالت قهر به منزل پدرش می رفت. در همین روزها که از زندگی با فلورا خسته شده بودم عاشق دختری به نام سمیرا شدم و او را در نبود فلورا به خانه ام می آوردم. تا این که روزی وقتی با آن دختر مشغول قلبان کشی بودیم فلورا اسر رسید و کار به کتک کاری کشید. در این هنگام همسایه ها موضوع را به پلیس اطلاع دادند و...

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی



هیوندای-فارسیان

نمایندگی مجاز فروش و خدمات پس از فروش کد ۵۰۳- آسان موتور

نظر به استقبال شما مشتریان این عاملیت طرح بازدید رایگان تابستانه به همراه تخفیفات ویژه، خاص مشتریان عزیز این نمایندگی از مورخ ۱۵ لغایت ۱۹ مرداد ماه تمدید گردید.

ضمنا این طرح جهت کلیه خودرو های هیوندای کارانتی دار آسان موتور و وارداتی فقط در این نمایندگی انجام می پذیرد.








بازدید رایگان تابستانه خودروهای هیوندای

۱۵٪ تخفیف فیلتر روغن + ۱۰٪ تخفیف اجرت های سرویس ادواری + ۱۰٪ تخفیف روغن موتور کاسترول متناکت

فروش نقدی - تحویل فوری: سوناقا ۱۴، توسان، سانتافه

ضمنا جهت جلوگیری از ابطال ۵ سال کارانتی، سرویس های دور های با تخفیفات اعلام شده فوق در این عاملیت انجام می شود.

آدرس: بزرگراه آسیایی بعد از پلیس راه قاسم آباد - آزادی ۱۲۵ - ۰۱۲۷-۳۶۵۱۲۷۷۰

نمایشگاه مرکزی فروش: احمد آباد - بلوار ملاصدرا - بین ملاصدرا ۶ و ۸ - ۰۲۸۴۴۸۵۷۲